

## عنوان مقاله:

زبان میانجی، تماس و جغرافیا در ایران

## محل انتشار:

دوفصلنامه زبان و زبان شناسی، دوره 15، شماره 30 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

حامد باشه آهنگر - دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مجتبی منشی زاده - دانشیار گروه زبانشناسی دانشگاه علامه طباطبائی

## خلاصه مقاله:

این جستار به بررسی رابطه کلان میان جغرافیا، زبان و تحرک گروه های انسانی، و نقش تاریخی این عوامل اساسی در شکل دهی به ترکیب زبانی سرزمین ما می پردازد. از نظر نگارندگان، سه عامل عمده در ترکیب کلان زبانی در ایران موثر بوده اند: (۱) جغرافیایی، (۲) جمعیت شناختی و (۳) زبانی. عوامل جغرافیایی (=بوم شناختی+زمین نگاشتی) در شکل دهی به روال های جمعیت شناختی (=سکونت +مهاجرت) دخالت دارند؛ زمین نگاری گسترده و گسترده ایران، سبب کاهش ارتباط میان زبان های منطقه ای می شود، و در عین حال، همه گونه ها را با زبان میانجی (=پهلوی، فارسی) در تماس پیوسته قرار می دهد. بنابراین، مولفه زبانی تماس/انزوا نیز خود معلول روال های جمعیت شناختی و جغرافیایی است. این وضعیت، سبب «±انباشت ارتباطی» می شود و آن عاملی است که مرگ و زایش گویش ها و زبان های مستقل را از دل گونه های تاریخی-جغرافیایی تسهیل می کند. در طی سده ها، این چرخه همیشگی، ارتباط موفق میان قوم-زبان ها را نیازمند وجود زبان مشترک کرده و در نتیجه، از زبان های رایج در این پهنه گسترده، همواره یکی به عنوان میانجی یا میان گفت به کار رفته است. ترکیب این عوامل، در ایران به ایجاد دو وضعیت کاملا متمایز انجامیده است: زبان میانجی در مرکز، و گسترش آن به حاشیه چندزبانه

## کلمات کلیدی:

جغرافیا، زمین نگاری، جمعیت شناسی، تماس زبانی، میانجی

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1581215>

